

۱- مقدمه

در رساله حاضر سعی بر آن است تا ضمن معرفی متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های اقتصاد سنجی و تعریف انواع مدل‌های اقتصاد سنجی، از طریق برآورد مدل‌ها (الگوها) اقتصاد سنجی و تفسیر ضرایب متغیرها به بررسی عوامل موثر بر خالص حساب‌جاری تر از پرداخت‌های خارجی کشور بویژه بدلیل کاهش ارزش پول (افزایش نرخ ارز) پردازیم. در خصوص برآورد الگوهای اقتصاد سنجی ضمن بررسی و بهره‌گیری از تئوری‌های مربوط به عوامل موثر بر خالص حساب جاری تر از پرداخت‌ها در همه کشورها و همچنین تحقیقات انجام شده سعی شده از متغیرهای دیگری که طی دوره مورد بررسی منحصراً خاص کشور ایران بوده و تر از پرداخت‌های آنرا تحت تاثیر قرار داده استفاده شود. در برآورد الگوهای اقتصاد سنجی از اطلاعات متغیرها طی دوره مورد بررسی یعنی سالهای (۱۳۷۸-۱۳۵۸) و بسته نرم افزاری Eviews و روش حداقل مربعات معمولی (O.L.S) استفاده شده است. هر دو نوع الگوهای نهایی اقتصاد سنجی این رساله بصورت لگاریتمی خطی برآورد شده اند. البته در این راه با یک مشکل اساس روبرو بودیم و آن منفی بودن خالص‌های بجاری تر از پرداخت‌ها در تمام سالهای مورد بررسی (۷۸-۱۳۵۸) بود. برای رفع این مشکل اعداد مربوط به خالص حساب جاری تر از پرداخت‌ها را در یک علامت منفی ضرب کردیم تا همه اعداد مثبت گرد شده و دارای لگاریتم شوند. به همین دلیل در تفسیر ضرایب متغیرها باید بصورت معکوس عمل می‌نمائیم. یعنی ضرایب منفی را بصورت مثبت تفسیر کنیم و برعکس یعنی ضرایب مثبت را با علامت منفی تفسیر نمائیم.

۲- معرفی انواع متغیرهای موجود در مدل

در این مرحله از تحقیق متغیرهای مورد استفاده در الگوهای اقتصادسنجی، دقیقاً تعریف می شود تا دایره مشمول متغیرها دقیق و مشخص باشد. در تعریف متغیرها از تعاریف صاحب نظران و اقتصاد دانان استفاده شده است با توجه به اینکه در هر مدل اقتصادسنجی متغیرهای موجود در مدل به دو دسته متغیرها وابسته و توضیحی در مدل های اقتصادسنجی تقسیم می شوند در مورد خالص حساب جاری از پرداختهای خارجی نیز چنین موضوعی معمول است که در این قسمت به تشریح متغیرها می پردازیم.

۲-۱- توصیف موضوع مورد تحقیق یا متغیر وابسته به مدل:

می دانیم که تراز پرداختها شامل دو حساب عمده می باشد که عبارتند از حساب جاری و حساب سرمایه حساب سرمایه تراز پرداختها را به دو دلیل ناچیز بودن رقم و تحت کنترل دولت بودن و آن در ایران وارد مدل های اقتصادسنجی نکرده ایم. لذا متغیر وابسته مدل به خالص حساب جاری تراز پرداختهای خارجی می باشد. خالص حساب جاری تراز پرداختهای خارجی عبارت است از جمع جبری خالص تراز کالاها (بازرگانی) خالص تراز خدمات و خالص حساب پرداختهای انتقالی به خارج که رقم مربوط به آن در طی دوره مورد بررسی یعنی سالهای (۱۳۷۸-۱۳۵۸) همواره منفی بوده است.^۱

در زمینه برآورد الگوهای اقتصادسنجی الگوهای اقتصادسنجی از آمار و اطلاعات خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی کشور مندرج در تراز نامه های اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است .

۲-۲- تشریح مستقل موجود در مدل های اقتصادسنجی

۴-۲-۲-۱- تولید ناخالص GDP:

تولید ناخالص داخلی (GDP) عبارتست از مجموع ارزش پولی (ریالی) تمامی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزها جغرافیایی یک کشور طی یک دوره زمان معینی (معمولاً یکسال) از این متغیر بعنوان شاخص برای در آمد ملی بر خالص حسابجاری تراز پرداختها استفاده شده است .

۴-۲-۲-۲- نرخ آزاد ارز:

منظور از نرخ آزاد عبارتست از ارزش یک واحد پول رایج خارجی (دلار) بر حسب رایج داخلی (ریال) در بازار موازی ارز بعبارت دیگر به تعداد واحدهایی از پول داخلی که برای بدست آوردن یک واحد پول خارجی دلار در بازار موازی ارز باید پرداخت گردد نرخ آزاد ارز گویند استفاده از نرخ آزاد ارز (نظام شناور و ارزی) اثرات کاهش ارزش پول برتر از پرداختهای خارجی را نسبت به تغییرات نرخ رسمی (نظام کنترل ارزی - ثابت) ارز بهتر و واقعی تر نشان می دهد زیرا نرخ رسمی ارز توسط مقامات پولی کشور تعیین می گردد و معمولاً دولتها در برابر کاهش ارزش پولی ملی افزایش نرخ رسمی ارز مقاومت می کنند .

دلیل آنهم تبعات منفی اجتماعی و کاهش جایگاه اجتماعی دولت نزد ملت و جامعه بین المللی می باشد .

متغیر کیفی شرایط بحرانی جنگ : چون داده آماری بصورت سری زمانی است استفاده از متغیرهای (کیفی مجازی) برای نشان دادن اثرات متغیر کیفی شرایط بحرانی جنگ بر خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی کشور از متغیر مجازی DW استفاده شده است بدین منظور به متغیر مجازی طی سالهای جنگ ۶۷-۱۳۵۹ مقدار عددی یک (۱) و در سالهای غیر جنگ مقدار عددی صفر (۰) داده شده است .

متغیر کیفی یکسان سازی ارز :

یکسان سازی نرخ ارز عبارتست از تک نرخ کردن ارز : این مساله از سال ۱۳۷۱ در ایران شروع شد و اثر مهم خود را از سال ۱۳۷۳ آغاز کرد بجا گذاشت برای نشان دادن این اثر متغیر از متغیر مجازی D73 استفاده شده است بدین منظور به متغیر مجازی D73 از سال ۷۱ به بعد تا ۱۳۷۸ مقدار عددی یک و در سالهای غیر از آن (۷۰-۱۳۵۸) مقدار عددی بی صفر داده شده است .

نکته : از چهار متغیر مستقل فوق الذکر در هر دو نوع مدل بر آورد شده استفاده شده است . اما علاوه بر چهار متغیر مستقل از یک متغیر مستقل به دیگر بنام خالص حسابجاری بایک وقفه زمانی در مدل نوع دوم استفاده شده است که در زیر به توضیح آن می پردازیم .

۴-۲-۵- متغیر خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی با یک وقفه زمانی: برای نشان حساسیت سیاستگذار در جهت کاهش کسری تجاری (برنامه دوم) متغیر خالص

حسابجاری تراز پرداختهای با یک وقفه زمانی بعنوان یک متغیر مستقل در سمت راست مدل دوم (پویا) وارد شده است. بدین معنی که می‌خواستیم بدانیم آیا کسری مداوم تراز پرداختها این حساسیت را در سیاستگذاران اقتصادی ایجاد می‌کند که برای کاهش آن چاره‌ای را بیندیشید یا خیر؟ به همین منظور خود متغیر وابسته با یک وقفه زمانی وارد مدل گردید.

تذکر: از متغیر اخیر فقط در مدل دوم (پویا) استفاده شده است.

روش برآورد مدل های اقتصاد سنجی:

در برآورد الگوهای اقتصاد سنجی از مدل لگاریتمی خطی استفاده شده است بعبارت دیگر مدل در سطح لگاریتمی متغیرها برآورد شده است تمام الگوهای اقتصاد سنجی رساله حاضر بوسیله روش حداقل مربعات معمولی (O-L-S) بسته به نرم افزاری EViews مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای فائق آمدن بر مشکل خود همبستگی و برای نحوه جهت جملات اخلاص مدلهای اتوگریسو و فرآیند میانگین متحرک مرتبه اول در نظر گرفته شده است.

۳- انواع مدلهای اقتصاد سنجی برآورد شده در رساله:

در رساله حاضر از دو رویکرد جهت برآورد و الگوهای اقتصاد سنجی استفاده شده است که عبارت است از الف) مدل ایستا ب) مدل پویا

۳-۱- مدل ایستا

مدل ایستا مدلی است که در آن متغیر وابسته یعنی خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی کشور در زمان جاری تابعی است از متغیرهای مقادیر جاری متغیرهای مستقل دیگر که عبارتند از GDP بعنوان شاخصی جهت درآمد ملی ، EXR نرخ آزاد ارز DW متغیر مجازی جنگ و D73 متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز .

۳-۲- مدل پویا

مدل پویا مدلی است که در آن متغیر وابسته علاوه بر آنکه تابع مقادیر جاری متغیرهای مستقل دیگر مانند GDP بعنوان شاخصی برای درآمد ملی EXR نرخ آزاد ارز DW متغیر مجازی جنگ D73 متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز است تابعی از خودش با یک یا چند وقفه زمانی نیز می باشد یعنی مدل پویا مدلی است که در آن متغیرها با یک یا چند وقفه زمانی در سمت مدل اقتصاد سنجی بعنوان یک متغیر توضیح دهنده (مستقل) وارد مدل می شود . لازم به یادآوری است که در مدل پویای رساله حاضر متغیر وابسته با یک وقفه زمانی وارد مدل شده است .

۴-علائم ایستای تطبیقی مدلهای:

۴-۱- الگوی مدل ایستا:

بطور کلی خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی تابعی است از در آمد ملی نرخ آزاد ارز و همچنین متغیرهایی مانند شرایط بحرانی جنگ و سیاست یکسان سازی نرخ ارز است
یعنی:

$$B_1 = F (GDP , EXR , DW , D73)$$

که در آن:

B_1 عبارتست از خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی که در واقع متغیر وابسته مدل می باشد.

EXR عبارتست از نرخ آزاد ارز

DW: عبارت است از متغیر مجازی شرایط بحرانی (جنگ)

D73: عبارتست از متغیر مجازی یکسان نرخ ارز که از سال (۷۸-۱۳۷۱ به بعد در ایران)

اجرا گردیده است. بر اساس تئوریهای اقتصادی رابطه بین خالص حسابجاری تراز پرداختها و در آمد ملی منفی است چرا که با افزایش در آمد واردات کشور افزایش می یابد. بعبارت دیگر افزایش در آمد ملی باعث کسری (بدتر شدن) خالص حسابجاری تراز پرداختهای شود

:

$$\frac{\partial B_1}{\partial GDP} < 0$$

یعنی:

همچنین رابطه بین خالص حسابجاری تراز پرداختها و تغییرات نرخ آزاد ارز مثبت است چرا که از طریق ارزانتر شدن کالاهای داخلی بر حسب پول خارجی صادرات افزایش می یابد عبارت دیگر افزایش نرخ ارز در بازار آزاد باعث بهبود یا کاهش کسری تراز پرداختها می

$$\frac{\partial B_1}{\partial EXR} > 0 \quad \text{گردد. یعنی:}$$

متغیر مجازی جنگ DW اثر منفی بر تراز پرداختها بجا می گذارد زیرا در شرایط بحرانی جنگ معمولاً صادرات کاهش واردات بویژه تسلیحات افزایش یافته و باعث تشدید کسری

$$\frac{\partial B_1}{\partial DW} < 0 \quad \text{تراز پرداختها می گردد یعنی:}$$

متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارزی که از سال ۱۳۷۱ به بعد در ایران اجرا گردیده باعث حذف نظام چند نرخ ارز گردیده و در واقع باعث از بین رفتن قوی بودن مصنوعی ارزش پولی ملی شده است. یعنی یکسان سازی نرخ ارز در ایران به معنی کاهش ارزش پولی ملی بوده و همین امر باعث افزایش صادرات غیر نفتی و کاهش واردات شده است لذا باعث بهبود خالص حسابجاری تراز پرداختها شده است

$$\frac{\partial B_1}{\partial D73} > 0 \quad \text{یعنی:}$$

تذکر: البته علاوه بر متغیرهای مستقل فوق از متغیرهایی مانند حجم نقدینگی (M) و شاخص بهای مصرف کننده (تورم) GPI نیز بعنوان متغیرهایی توضیحی استفاده گردید اما بدلیل وجود مشکل هم خطی بین M, CP, M از مدل خارج شد و سپس بدلیل وجود

مشکل هم خطی بین Cpi , EXR همبستگی آنها ۹۷٪ بود به مجبور به حذف Cpi از مدل‌های اقتصاد سنجی شدیم .

فرم نهایی مدل ایستا : این مدل بصورت لگاریتمی زیر برآورد گردیده است :

$$LB_1 = \beta_0 + \beta_1 LGDP + \beta_2 LEXR + \beta_3 DW + \beta_4 D73 + \varepsilon_t$$

$$LB_1 = -16/04 + 2/75 LGDP - 0/48 LEXR + 0/39 DW - 0/64 D73$$

$$(-3/79) \quad (6/44) \quad (-7/00) \quad (3/47) \quad (-7/10)$$

$$+ 0/25 AR(1) + 0/92 MA(1) + Gt \quad R^2 = 0/93 DW = 1/74$$

$$(0/87) \quad (16/30)$$

یادآوری مهم : چون اعداد مربوط به خالص حسابجاری تراز پرداختها را در یک منفی ضرب کردیم تا مثبت شوند و بتوانیم از آنها لگاریتم بگیریم و مدل را بصورت لگاریتمی خطی برآورد کنیم لذا در تفسیر ضرایب باید دقت کرده و هر ضریب را با علامت مخالف آن تفسیر نماییم . یعنی ضرایب با علامت مثبت را باید با علامت منفی و ضرایب با منفی را با علامت مثبت باید تفسیر کنیم .

تذکر :

اعداد داخل پرانتز بیانگر t می باشند .

در مدل فوق :

LB1 : بیانگر لگاریتم خالص حسابجاری تراز پرداختها ، بعنوان متغیر وابسته مدل می باشد .

β_0 : بیانگر عرض از مبدا است

LGDP: بیانگر لگاریتم تولید ناخالص داخلی است که از آن بعنوان شاخص در آمد ملی

استفاده شده است .

LEXR: بیانگر لگاریتم نرخ آزاد ارز .

DW: بیانگر متغیر مجازی جنگ

D73: بیانگر متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز که از سال ۱۳۷۱ به بعد در کشور اجرا

گردید چهار متغیر اخیر بعنوان متغیرهای مستقل مدل می باشند .

چنانکه از نتایج برآوردی مدل مشخص است کلیه ضرایب (بجز ضریب (AR)) در سطح

اطمینان ۹۹ درصد معنی دار می باشند ضمن آنکه R^2 رگرسیون در حدود ۹۳ درصد می

باشد آماره F نیز برای رگرسیون فوق در حدود ۲۹/۲۲ می باشد که حاکی از معنی داری

عمومی رگرسیون است .

۴-۲- تغییر ضرایب متغیرهای مستقل در مدل ایستا :

در مدل فوق (ایستا) ضریب شاخص در آمد ملی GDP یعنی $B = ۲/۷۵$ است . چون مدل

لگاریتمی است این ضریب بیانگر کشش در آمدی خالص حسابجاری تراز پرداختها می

باشد و مفهوم اقتصادی β این است که اگر در آمد ملی یکی درصد افزایش یابد به شرط

ثابت بودن سایر متغیرهای سمت راست مدل خالص حسابجاری تراز پرداختها ۲/۷۵ درصد

کاهش می یابد (بدتر خواهد) بعبارت دیگر اگر در آمد ملی یک درصد افزایش یابد

خالص حسابجاری تراز پرداختها ۲/۷۵ درصد دچار کسری می گردد .

ضریب نرخ آزاد ارز مدل لگاریتمی ایستا یعنی $B = 0/48$ است این مساله بیانگر آنست که اگر نرخ ارز در بازار آزاد موازی یک درصد افزایش ارزش پول ملی یک درصد کاهش یابد خالص حسابجاری تراز پرداختها به شرط ثابت ماندن سایر متغیرهای سمت راست مدل طی دوره مورد بررسی (۷۸-۱۳۵۸) $0/48$ درصد افزایش (بهبود) می یابد بعبارت دیگر $0/48$ درصد از کسری تراز پرداختها کاسته خواهد شد زیرا افزایش نرخ ارز کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش صادرات و کاهش واردات شده و نهایتاً باعث بهبود خالص حسابجاری تراز پرداختها می گردد^۱.

با توجه به اینکه در مدل فوق علامت مربوط به ضریب متغیر مجازی جنگ DW منفی یعنی $B3 = 0/39$ می باشد می توان نتیجه گرفت که شرایط بحرانی جنگ طی دوره مورد بررسی اثر منفی بر خالص حسابجاری تراز پرداختها داشته است یعنی بروز پدیده جنگ باعث کاهش صادرات و افزایش واردات بویژه سلاح باعث بدتر شدن خالص حسابجاری از پرداختها شده است.

نظر به اینکه ضریب متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز $D73$ مثبت است یعنی $0/64 =$ $B4$ است لذا می توان این ضریب را اینگونه تفسیر کرد که بدلیل بروز اجرای سیاست یکسان نرخ ارز در ایران از سال ۱۳۷۱ به بعد طی دوره مورد بحث بهبود خالص حسابجاری تراز پرداختها شده است. زیرا یکسان سازی نرخ ارز در ایران در واقع کاهش ارزش پول

ملی بوده که خود باعث افزایش صادرات و کاهش واردات و در نتیجه بهبود تراز پرداختها گردیده است .

شایان ذکر است که چون در مدل ایستا با مشکل خود همبستگی روبرو بودیم به همین دلیل برای رفع این مشکل از اتورگرسیو مرتبه اول (1) AR و فرآیند میانگین متحرک (1) MA

استفاده شده است . بطوریکه پس از وارد کردن (1) AR و (1) MA و برآورد نتایج

مقایسه آماره دوربین که برابر واتسن ورل $D = 1/742$ می باشد با آماره دوربین - واتسن D

جدول با چهار متغیر مستقل ($X=4$) در سطح معنی دار ۱ درصد و ۲/۵ درصد که به ترتیب

حدود بالای آنها برابر ۱/۶۰۴ و ۱/۷۲۳ ملاحظه می گردد که مشکل خود همبستگی رفع

گردیده است چون $4-du < d < du$ در سطوح معنی دار فوق می باشد از مقایسه آماره

دوربین واتسن مدل که برابر ۱/۷۴۲ است آماره دوربین جدول در سطح معنی دار ۵ درصد

که حد بالا آن برابر ۱/۸۴۸ می باشد ، در ناحیه نامطمئن قرار می گیریم بطوریکه نمی توان

تصمیم گرفت که آیا خود همبستگی وجود دارد یا خیر؟ اما فرض را بر وجود خود

همبستگی گذاشته و با (۲) AR اقدام به رفع خود همبستگی احتمالی کردیم با وارد کردن

(۲) AR آماره دوربین مدل کاهش یافت معینی از ۱/۷۴۲ اهم کمتر شد و این مساله نشانگر

آن است در سطح معنی دار ۵ درصد اهم که دیگر مشکل خود همبستگی نداریم زیرا در

صورت وجود خود همبستگی در مدل با ورود (۲) AR در مدل آماره دوربین - واتسن

مدل بایستی از ۱/۷۴۲ افزایش می یافت (بیشتر می شد) .

۴-۳) مدل پویا:

در رساله حاضر مدل پویا که در آن متغیر وابسته با یک وقفه زمانی بعنوان یک متغیر مستقل به سمت راست مدل وارد شده است بمنظور نشان دادن حساسیت سیاستگذار جهت کاهش کسری مزمن بلند مدت خالص حسابجاری تراز پرداختها برآورد گردیده است یعنی برای آنکه بدانیم آیا کسری مداوم بلند مدت تراز پرداختها این حساسیت را در سیاستگذاران اقتصادی کشور بوجود می آورد که آنرا کاهش دهنده یا برطرف نمایند یا خیر. تصمیم گرفته شد که مدل پویای زیر را برآورد نمائیم البته مدل پویا نیز بصورت لگاریتمی برآورد شده است.

۴-۴) تفسیر ضرایب در مدل پویا:

مدل پویا $B1 = -۳/۷۴$ است. با توجه به ماهیت مدل لگاریتمی خطی $B1$ بیانگر کشش درآمدي خالص حساب جاری تراز پرداختها متغیر وابسته می باشد و مفهوم اقتصادی آن این است که اگر درآمد ملی یک درصد افزایش یابد به شرط ثابت بودن سایر متغیرها سمت راست مدل، خالص حسابجاری تراز پرداختها $۳/۷۴$ درصد کاهش می یابد (دچار کسری می گردد).

همچنین در مدل پویا $B2 = ۰/۴۹$ است مفهوم اقتصادی این ضریب آن است که اگر نرخ آزاد از یکی درصد افزایش یابد به شرط ثابت بودن سایر متغیرهای سمت راست مدل خالص حساب جاری تراز پرداختها (متغیر وابسته) به میزان $۰/۴۹$ درصد یعنی تقریباً $۰/۵$ درصد افزایش خواهد یافت (بهبود می یابد)

۳۱/۰ = β_3 است مفهوم اقتصادی این ضریب آن است که طی دوره مورد بررسی (۷۸-۷۸)

(۱۳۵۸) بروز جنگ اثر منفی معنی داری بر خالص حسابجاری تراز پرداختها (متغیر وابسته)

برجا گذاشته است یعنی باعث بدتر شدن تشدید کسری تراز پرداختها شده است.

۹۹/۰ = B_4 است مفهوم اقتصادی آن این است که اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز در

ایران طی دوره مورد بررسی (۷۸-۱۳۵۸) دارای اثر معنی داری بر متغیر وابسته

(خالص حسابجاری تراز پرداختها) بوده است زیرا در ایران یکسان سازی نرخ ارز باعث

حذف نظام چند نرخ ارز که باعث بالا نگهداشتن مصنوعی ارزش ریال بود گردید بعبارت

دیگر باعث افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) گردید که بدنبال آن صادرات

افزایش و واردات کاهش یافت و در نتیجه کسری خالص حسابجاری تراز پرداختها کاهش

یافت یا بهتر است بگوئیم وضع خالص حسابجاری از پرداختها بهبود یافت.

۳۲/۰ = B_5 است مفهوم اقتصادی آن این است که حساسیت سیاستگذار جهت کاهش

کسری مزمز و بلند مدت خالص حسابجاری از پرداختها دارای اثر مثبت معنی داری بر متغیر

وابسته (خالص حسابجاری تراز پرداختها) طی دوره مورد بررسی داشته است. یعنی اگر

سیاستگذاران اقتصادی نسبت به کسری خالص حسابجاری حساسیت نشان

می دادند این مساله باعث کسری خالص حسابجاری تراز پرداختها طی دوره مورد بررسی

۷۸-۱۳۵۸ می گردید.

نکته: ضرایب B_1 , B_2 , B_5 در مدل پویا در واقع بیانگر اثرات کوتاه متغیرهای

مستقل بر متغیر وابسته می باشند و اثرات بلند مدت متغیرهای مستقل با استفاده از فرمولهای

زیر نشان داده می شوند:

$$\frac{\partial LB_1}{\partial \beta_i} = \frac{\hat{\beta}_i}{1 - \hat{\beta}_5}$$

$$\frac{\partial LB_1}{\partial LGDP} = \frac{\beta_1}{1 - \beta_5} = \frac{-3/74}{1 - 0/32} = -5/50$$

$$\frac{\partial LB_1}{\partial LEXR} = \frac{\beta_2}{1 - \beta_5} = \frac{0/49}{1 - 0/32} = 0/72$$

$$\frac{\partial LB_1}{\partial DW} = \frac{\beta_3}{1 - \beta_5} = \frac{-0/31}{1 - 0/32} = -0/46$$

$$\frac{\partial LB_1}{\partial D73} = \frac{\beta_4}{1 - \beta_5} = \frac{0/99}{1 - 0/32} = 1/46$$

$$\frac{\partial LB_1}{\partial LB_1(-1)} = \frac{\beta_5}{1 - \beta_5} = \frac{0/32}{1 - 0/32} = 0/47$$

۴-۵- تفسیر ضرایب بلند مدت متغیرها در مدل پویا:

است $\frac{\beta_1}{1 - \beta_5} = -5/50$. این ضریب بیانگر اثر بلند مدت در آمد ملی بر متغیر وابسته (خالص

بحساب جاری تراز پرداختها) می باشد با توجه به ماهیت مدل لگاریتمی این ضریب بیانگر

کشش در آمدی خالص حسابجاری تراز پرداختها نیز می باشد و مفهوم اقتصادی آن این

است که اگر در آمد ملی یک در صد افزایش یابد به شرط ثابت بودن سایر متغیرهای سمت

راست مدل تراز پرداختها در بلند مدت $5/50$ در صد کاهش خواهد یافت یعنی افزایش در

آمد ملی در بلند مدت باعث بدتر شدن (تشدید کسری) خالص حسابجاری از پرداختها می گردد .

$\frac{\beta_2}{1-\beta_5} = 0.72$ این ضریب بیانگر آن است که اگر نرخ آزاد ارز یک درصد افزایش (ارزش

پول ملی کاهش یابد) به شرط ثابت بودن سایر متغیرهای سمت راست مدل در بلند مدت

خالص حسابجاری تراز از پرداختها ۰/۹۶ درصد افزایش بهبود می یابد زیرا افزایش نرخ ارز

(کاهش ارز پول ملی) باعث افزایش صادرات و کاهش واردات می گردد لذا خالص

حسابجاری تراز پرداختها بهبود می یابد .

$\frac{\beta_3}{1-\beta_5} = -0.46$ است این ضریب بیانگر اثر بروز جنگ بر خالص حسابجاری تراز پرداختها

به شرط ثابت بودن سایر متغیرها در بلند مدت می باشد با توجه به منفی بودن ضریب می

توان گفت بروز جنگ دارای اثر منفی معنی داری بر خالص حسابجاری تراز پرداختها طی

دوره مورد بررسی می باشد . بطوریکه این اثر منفی به سالهای بعدی هم منتقل می گردد هر

چند از شدت آن کاسته میشود اما در مجموع هر چقدر تعداد سالها بیشتر می شود مجموع

اثر جنگ بیشتر می گردد .

$\frac{\beta_4}{1-\beta_5} = 1.46$ این ضریب بیانگر آن است که با اجرای یکی یکسان نرخ ارز به شرط ثابت

بودن سایر متغیرهای سمت راست مدل خالص حساب جاری تراز پرداختها متغیر وابسته به

میزان بسیار قابل توجه افزایش می یابد یعنی یکسان سازی نرخ ارز که بصورت کاهش

ارزش پول ملی در ایران اجرا شده به شکل چشمگیری باعث بهبود خالص حساب جاری

تراز پرداختها (کاهش کسری تراز تجاری) می گردد. دلیل اقتصادی آنهم این است که اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز (که به صورت کاهش ارز پول ملی یا افزایش نرخ رسمی ارز در ایران اجرا گردیده است باعث افزایش صادرات و کاهش واردات و در نتیجه بهبود تراز تجاری کشور می گردد زیرا با افزایش نرخ ارز کالاهای ایرانی برای خارجیان ارزانه تر می گردد و از طرف دیگر کالاها و خدمات خارجی برای ایرانیان گرانتر می شود.

بیانگر اثر بلند مدت حساسیت سیاستگذار نسبت به کاهش کسری خالص $\frac{\beta_5}{1-\beta_5} = 0.47$

حساب جاری تراز پرداختها در خالص حسابجاری تراز پرداختها ست بدین معنی که اگر سیاستگذاران اقتصادی نسبت به کسری مزمین خالص حسابجاری حساسیت نشان دهند همین مساله باعث کاهش کسری تراز تجاری بعبارت دیگر بهبود خالص حسابجاری تراز پرداختها خواهد شد.

۵: مقایسه ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت متغیرها در مدل پویا

با توجه به اینکه ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت GDP شاخص در آمد ملی به ترتیب ۳/۷۴-۵/۵۰ می باشند در نتیجه می توان گرفت بر اثر گذشت زمان شدت اثر منفی در آمد ملی بر خالص حسابجاری تراز پرداختها به میزان چشمگیری بیشتر می شود دلیل اقتصادی آنهم این است که افزایش در آمد باعث افزایش تقاضا می گردد و بخش از این افزایش تقاضا مربوط به می گردد کالاها و خدمات وارداتی لذا واردات افزایش می یابد و همین امر باعث بدتر شدن خالص حسابجاری تراز پرداختها می گردد از مقایسه ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت نرخ آزاد ارز که طی مورد بررسی که به ترتیب ۴۹/۰، ۰/۷۲ می باشد نتیجه می

گیریم که اثر مثبت افزایش نرخ ارز در بازار آزاد (کاهش ارزش پول ملی) بر خالص حسابجاری تراز پرداختها در بلند مدت تقریباً برابر یک و نیم اثر آن در کوتاه است یعنی افزایش نرخ آزاد در بلند مدت تقریباً یک و نیم برابر کوتاه مدت باعث بهبود (افزایش) در خالص حسابجاری تراز پرداختها می گردد . ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت متغیر مجازی جنگ به ترتیب $0/31-$ و $0/46-$ است یعنی با گذشت زمان در مجموع اثر منفی بر خالص حساب جاری تراز پرداختها بیشتر می شود توجه اقتصادی آنهم این است که اثرات یک پدیده منفی به سالهای آینده نیز انتقال می یابد می شود ولی با شدت کمتر لذا در مجموع هر چه تعداد سالها بیشتر می شود مجموع اثر منفی جنگ نیز بیشتر می شود .

از مقایسه ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز D73 که به ترتیب $0/99$ و $1/46$ می باشند و به راحتی می توان نتیجه گرفت که اثر بلند مدت یکسان سازی نرخ ارز بر خالص سازی حساب جاری تراز پرداختها تقریباً یک و نیم برابر بیشتر از اثر کوتاه مدت آن است و این مساله از نظر اقتصادی بسیار حائز اهمیت است . بدین معنی که طی دوره مورد بررسی (۷۸-۱۳۵۸) مقامات اقتصادی کشور با هدف کاهش یا حذف کسری خالص حساب جاری تراز پرداختها اقدام به اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز (که در واقع افزایش نرخ رسمی ارز و کاهش ارزش پولی ملی بود) نمودند و این سیاست بیشترین تاثیر مثبت را در بهبود کاهش کسری خالص حساب جاری تراز پرداختها بهمراه داشته است .

همچنین از مقایسه ضرایب کوتاه مدت و بلند مدت حساسیت سیاستگذار جهت کاهش کسری مزن خالص حسابجاری از پرداختها که به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۴۷ است می توان نتیجه گرفت که هر چه مقامات اقتصادی در تعداد سالهای بیشتری نسبت به کاهش خالص حسابجاری تراز پرداختها حساسیت نشان دهند به مرور زمان خالص حسابجاری تراز پرداختها بیشتر افزایش بهبود می یابد. لذا سیاستگذاران اقتصادی نباید بگذارند کسری خالص حسابجاری تراز پرداختهای کشور مزن و طولانی بلکه باید هر چه زودتر یعنی در همان سالهای اولیه نسبت به این مساله حساسیت لازم را نشان داده تا طی چند ساغل کسری تراز جاری کشور بهبود برطرف گردد /.

۶- نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات :

با توجه به نتایج تجربی حاصل از الگوهای اقتصاد سنجی رساله حاضر می توان نتیجه گرفت چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت در هر دو مدل ایستا و پویا بیشترین اثر منفی را متغیر درآمد ملی و کمترین اثر منفی را متغیر کیفی جنگ و بیشترین اثر مثبت را کاهش ارزش پول ملی بصورت رسمی یکسان سازی نرخ ارز و غیر رسمی یعنی افزایش نرخ آزاد ارز بر خالص حسابجاری تراز پرداختها طی دوره مورد بررسی (۱۳۷۸-۱۳۵۸) داشته اند .

اگرچه کاهش ارزش پول ملی بصورت رسمی و غیر رسمی یعنی افزایش نرخ ارز بصورت رسمی از طریق یکسان سازی نرخ ارز در ایران از سال ۱۳۷۱ انجام گرفته است و افزایش نرخ ارز بصورت غیر رسمی که از طریق افزایش نرخ ارز در بازار آزاد سیاه صورت می گیرد . دارای بیشترین اثرهای مثبت بر خالص حسابجاری تراز پرداختهای خارجی کشور می باشند .

اما اجرای سیاست کاهش ارزش پول ملی افزایش نرخ ارز به تنهایی برای تعدیل عدم تعادل تراز پرداختها ممکن است در کوتاه مدت دارای اثر مثبت باشد ولی در بلند مدت نمی تواند چندان موثر باشد زیرا افزایش در آمد ملی که از GDP تولید ناخالص داخلی بعنوان شاخص برای نشان دادن آن در این رساله استفاده شده است نسبت به اثر مثبت سیاست کاهش ارزش دارای اثر منفی شدیدتری بر خالص حسابجاری تراز پرداختها ست یعنی اگر برای جلوگیری از اثرات منفی در آمد ملی بر خالص حسابجاری تراز پرداختها چاره اندیشه نشود ، نمی توان به اثر مثبت سیاست کاهش ارزش پول ملی افزایش نرخ ارز (در بلند مدت چندان امیدوار بود .

بنابراین پیشنهاد می گردد همزمان با اجرای سیاست ارزش پول (افزایش نرخ ارز) سیاستهای پولی و مالی انقباضی اعمال گردد زیرا اعمال این سیاستها باعث کاهش در آمد ملی و به تبع آن کاهش تقاضای کامل در جامعه می گردد و مطمئناً بخشی از این کاهش تقاضا مربوط به واردات کالاها و خدمات خارجی خواهد بود در این صورت بدلیل افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) صادرات افزایش و واردات کاهش می یابد در نتیجه خالص حسابجاری تراز پرداختها بهبود می یابد (کسری تراز تجاری کاهش می یابد)

علاوه بر این پیشنهاد می گردد که بستر سازی لازم جهت تولید کالاها و خدماتی که (جهت گیری) صادراتی دارند هر چه سریعتر انجام شود میزان کمی صادرات غیر نفتی ما افزایش یابد که این خود باعث افزایش ارزشی صادرات کشور میگردد و در بهبود خالص

حسابجاری تراز پرداختها موثر است. همچنین پیشنهاد می گردد که قوانین و مقررات مربوط به بخش خارجی اقتصاد به گونه ای تنظیم گردند که کاملاً شفاف بوده و برای فعالان این بخش از اقتصاد دست و پاگیر نباشد تا انگیزه ای لازم جهت تولید و صدور کالاها و خدمات به خارج از کشور نزد صادرکنندگان ایرانی افزایش یابد.

با اجرای سیاست کاهش ارزش پول در کنار پیشنهادات فوق می توان امیدوار بود که در بلند مدت اثرهای مثبت این سیاست تاثیر بسیار زیادی در تعدیل عدم تعادل تراز پرداختهای خارجی کشور داشته باشد.

در پایان امیدواریم که با تعیین نرخ ارز در سطح واقعی آن و انجام سرمایه گذاریهای لازم جهت تولید کالاها و خدمات صادراتی و بطور کلی صادرات غیر نفتی کشور در آینده ای نه چندان دور شاهد اقتصادی بدون تکیه جدی (وابستگی شدید) به درآمدهای نفتی و تراز تجاری ای نه تنها بدون کسری مزمن بلکه دارای مازاد همراه با توجیه اقتصادی قوی باشیم تا ان شاء الله بتوانیم جایگاه مناسبی را از نظر قدرت اقتصادی برای کشورمان در سطح جامعه جهانی کسب نمائیم.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: 1-
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:14:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/18/2012 11:14:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 21
Number of Words: 3,538 (approx.)
Number of Characters: 20,171 (approx.)